

نقش صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی

حمیدرضا فرتوک‌زاده^۱

محمد رضا دره‌شیری^۲

جواد وزیری^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۱/۲۶

فصلنامه آفاق امنیت / سال هفتم / شماره بیست و پنجم - زمستان ۱۳۹۳

چکیده

هدف این تحقیق بررسی نقش صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی در سطح ملی است. برای تبیین نقش صنعت دفاعی در جریان گذار به اقتصاد مقاومتی، دو مسأله باید مورد توجه قرار گیرد: اول، صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی چه چشم‌اندازی را تعقیب خواهد کرد و جهت‌گیری‌های راهبردی آن چگونه خواهد بود؟ دوم، این که، صنعت دفاعی با این جهت‌گیری و چشم‌انداز، بر جریان مقاومتی شدن اقتصاد کشور چه تأثیری بر جای خواهد گذاشت؟ در این مقاله، برای پاسخ به دو سؤال فوق ابتدا، مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور تبیین خواهد شد. سپس، مفهوم اقتصاد مقاومتی و ماهیت، اهداف و مؤلفه‌های آن از دیدگاه مقام معظم رهبری معرفی می‌شود. در گام بعد، با مروری بر چالش‌های اقتصادی صنعت دفاعی کشور، براساس مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، جهت‌گیری صنایع دفاعی در مسیر حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی تحلیل و پیش‌بینی خواهد شد. در نهایت، با توجه به چشم‌انداز و جهت‌گیری پیش‌بینی‌شده برای صنعت دفاعی، براساس رویکرد گروه کانونی^۴، نقش و تأثیر صنعت دفاعی در حرکت کشور به سمت اقتصاد مقاومتی براساس مؤلفه‌های طرح‌شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که صنعت دفاعی از طریق سرریزهای فناورانه، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، کمک به تحریک تقاضای دانش‌بنیان و کمک به نوآوری نهادی برای رفع گلوگاه‌های نهادی مانع پیشرفت کسب و کارهای راهبردی در سطح ملی هستند، منجر به ارتقای قابلیت‌های کشور در گذار به اقتصاد مقاومتی خواهد شد.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، قابلیت‌های راهبردی، صنعت دفاعی، فناوری و تقاضای دانش‌بنیان

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر

۳. دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس



مقدمه

با مروری بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، شاید بتوان مهم‌ترین دغدغه‌های کشور در حوزه اقتصاد را مواجه‌شدن با بیماری‌های مزمن بی‌ثباتی اقتصادی و تورم مزمن، بیکاری و عدم شکل‌گیری قابلیت تولید داخل به ویژه در حوزه صنایع و محصولات راهبردی و نیز وابستگی شدید به واردات دانست؛ که عمدتاً در ضعف‌های نهادی ریشه داشته است. ضعف نهادی و یا عدم شکل‌گیری و بلوغ قابلیت نهادسازی (نظام‌سازی) منجر به غلبه نگاه‌های کوتاه‌مدت و بخشی در بهره‌برداری از منابع حاصل از فروش نفت شده و ساختار اقتصاد را به تدریج به یک ساختار اقتصاد خام‌فروشی مبدل کرده است. در این ساختار ضعف‌های موجود در نظام‌های پولی و مالی، گمرکی، مالیاتی، توسعه فناوری و تولید، و الگوی مصرف، بازخور و حساسیت خاصی ایجاد نخواهد کرد؛ زیرا خام‌فروشی مرهمی برای پوشش تمام ضعف‌ها خواهد بود. لذا در چنین ساختاری چرخه‌های یادگیری برای ارتقای قابلیت‌های نهادی فعال نبوده، بیماری‌های مزمن اقتصاد روز به روز حادث‌تر خواهد شد. مسأله‌ای که ما در این مطالعه در صدد واکاوی آن هستیم این است که آیا صنعت دفاعی می‌تواند به خروج اقتصاد کشور از این تله خام‌فروشی کمک کند.

برای تبیین تأثیر صنعت دفاعی بر این جریان پیشرفت، دو مسأله باید مورد توجه قرار گیرد: اول این که در مسیر حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی، صنعت دفاعی کشور چه چشم‌اندازی را تعقیب خواهد کرد و جهت‌گیری‌های آن چگونه خواهد بود؛ دوم این که صنعت دفاعی با این جهت‌گیری و چشم‌انداز، چه تأثیری بر جریان مقاومتی شدن اقتصاد کشور بر جای خواهد گذاشت.

برای پاسخ به دو سؤال فوق ابتدا، مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور با بررسی خواهد شد و سپس مفهوم اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (دام حفظه) تبیین و ماهیت، اهداف و مؤلفه‌های آن از دیدگاه معظم له معرفی خواهد شد. در گام بعد، با مروری بر چالش‌های احتمالی آینده صنعت دفاعی از دیدگاه اقتصادی، براساس مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، جهت‌گیری صنعت دفاعی در مسیر حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی پیش‌بینی خواهد شد. سپس با توجه به چشم‌انداز و جهت‌گیری صنعت دفاعی در مسیر گذار به اقتصاد مقاومتی، تأثیر صنعت دفاعی در حرکت کشور به سمت اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



ادبیات نظری تحقیق

سالیان درازی است که رابطه بین مخارج نظامی و رشد و توسعه اقتصادی در ادبیات اقتصاد دفاعی مطرح است. تحقیقاتی که در زمینه تأثیر صنعت دفاعی در اقتصاد کشورها صورت گرفته، در زمان‌ها، کشورها و شرایط گوناگون تأثیر متفاوتی بر شاخص‌های مهم اقتصادی کشورها داشته است که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

لونی و مه‌ای^۱ (۱۹۹۰) در تحقیق خود به تبیین رابطه بین هزینه‌های دفاعی ایالات متحده و متغیرهای توسعه اقتصادی پرداخته‌اند. آنها به طور تجربی با تجزیه و تحلیل و برآورد تابع تقاضا برای هزینه‌های دفاعی امریکا در طول دوره ۱۹۸۵-۱۹۶۵، به این نتیجه دست یافته‌اند که هزینه‌های دفاعی ایالات متحده بر شاخص‌های کلان اقتصادی تأثیرگذار بوده است.

همچنین گراس (۲۰۰۰) در تحقیقی در پی یافتن پاسخ این سؤال بوده است که آیا هزینه‌های دفاعی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت داشته است. اساساً رابطه‌ای مثبت میان میزان رشد هزینه‌های دفاعی ایالات متحده و مخارج دولت و میزان رشد تولید ناخالص داخلی وجود دارد یا خیر؟ وی در مطالعه خود به این نتیجه رسید که هزینه‌های دفاعی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی نداشته است. وی هم چنین دریافت که تأثیر هزینه‌های دفاعی بر رشد اقتصادی در هر کشور متفاوت است و معتقد بود که ممکن است در کشورهای در حال توسعه، این رابطه برجسته‌تر باشد.

به طور کلی، براساس مطالعات تجربی انجام‌شده به نظر می‌رسد که توافقی روشن در میان محققان در مورد جهت و میزان تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی وجود ندارد. برای مثال، با استفاده از مدل فدر^۲ (۱۹۸۲)، رام^۳ (۱۹۸۶) و آتسولگو و مولر^۴ (۱۹۹۰) تأثیر مثبت هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی ثابت شده است. در حالی که بیسواز و رام^۵ (۱۹۸۶)، الکساندر^۶ (۱۹۹۰) و هوانگ و مینتز^۷ (۱۹۹۱) به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد. از سوی دیگر، اسمیت^۸ (۱۹۸۰) و راسلر و تامسون^۹ (۱۹۸۸) با استفاده از یک مدل تقاضامحور نشان داده‌اند

- 1 . R. E. Looney and S. L. Mehay
- 2 . Feder, G.
- 3 . Ram, R.
- 4 . Atesoglu, H.S. and Muller. M.
- 5 . Biswas, B. and Ram, R.
- 6 . Alexander , R.
- 7 . Huang, C. and Mintz, A.
- 8 . Smit, Dan and Ron Smit
- 9 . Rasler, K. and W.R. Thompson

که هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی تاثیر منفی بر جای خواهد گذاشت. ایلدریم و همکاران^۱ (۲۰۰۵) نیز تاثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی را براساس یک مدل اقتصادی که شامل درآمد واقعی، پس‌انداز واقعی، مخارج نظامی واقعی، نیروی کار و تعادل واقعی متغیرهای تجارت بود، مثبت نشان داده‌اند. آندو^۲ (۲۰۰۹) نیز در تحقیقی با عنوان «تأثیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی در ۳۰ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)»، با استفاده از داده‌های پانل در دوره ۲۰۰۳-۱۹۹۵، چگونگی تاثیر هزینه‌های دفاعی بر رشد اقتصادی را برآورد کرده است. نتایج تجربی این مطالعه نشان می‌دهد هزینه‌های دفاعی تأثیر مثبت در رشد اقتصادی در ۱۰۹ کشور جهان داشته است. وی هم چنین، برای کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نیز این برآورد را انجام داد و نتایج مشابهی به دست آورد. خیلجی و محمود^۳ (۱۹۹۷) نیز در تحقیقی با نام «هزینه‌های نظامی و رشد اقتصادی در پاکستان»، به تبیین این موضوع پرداخته‌اند. در این مطالعه یک تلاش اولیه در بررسی اثر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی و سایر متغیرهای عمده اقتصادی در اقتصاد پاکستان صورت گرفت. این مطالعه با استفاده از تحلیل داده‌های سالانه سری زمانی انجام شده است که مجموعه داده‌ها دوره ۱۹۹۵-۱۹۷۲ را پوشش داده است. در این مطالعه، نتایج آزمون اقتصادسنجی گرنجر^۴ نشان می‌دهد که رابطه دو طرفه بین هزینه‌های دفاعی و رشد تولید ناخالص داخلی وجود دارد و هزینه‌های دفاعی ارتباط منفی با رشد تولید ناخالص داخلی، رشد تولید غیردفاعی، نسبت‌های سرمایه‌گذاری و درآمدهای مالیاتی داشته است.

سوالات اساسی تحقیق

مهم‌ترین سوالات این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. در مسیر حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی، صنعت دفاعی کشور چه چشم‌اندازی می‌تواند داشته باشد و جهت‌گیری‌های راهبردی آن برای رسیدن به آن چشم‌انداز چگونه خواهد بود؟
۲. صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی، چه تأثیراتی را در اقتصاد کشور براساس مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر جای خواهد گذاشت؟

1 . Yildirim, J. and Sezgin, S. & Ocal, N.

2 . Ando, Shio

3 . N. M. Khilji and A. Mahmood

4 . Granger causality



روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش، هدف بررسی تأثیر صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی، در مؤلفه‌های پیشرفت اقتصادی است؛ که از دیدگاه ما در این مقاله، همان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی هستند. با توجه به این که این تأثیرات توأم با اصلاح ساختارها و نهادهای اقتصاد ملی و صنعت دفاعی است، به جای استفاده از داده‌های تاریخی و به کارگیری روش‌های اقتصادسنجی برای تحلیل آنها، که تقریباً اکثر تحقیقات انجام‌شده در این زمینه با این روش صورت گرفته، در این مطالعه از رویکرد گروه کانونی به عنوان رویکرد محوری برای تحلیل تأثیرات استفاده شده است.

برای پاسخ به سؤالات تحقیق از دو روش متفاوت استفاده شده است. روش انتخاب‌شده برای پاسخ به سؤال اول، بر تحلیل داده‌های میدانی و کتابخانه‌ای متکی است؛ که بر اساس مطالعه اسناد منتشر شده و برخی پیش‌بینی‌های آینده‌پژوهانه است که جهت‌گیری‌های راهبردی صنعت دفاعی را در گذار به اقتصاد مقاومتی تبیین می‌کنند. برای پاسخ به سؤال دوم، از رویکرد گروه کانونی استفاده شده است. براساس فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با رویکرد گروه کانونی (جدول شماره ۱)، در گام اول، مجموعه نظرات افراد مصاحبه شده در مورد تأثیر صنعت دفاعی بر مؤلفه‌های ده‌گانه اقتصاد مقاومتی پس از مصاحبه، استخراج و دسته‌بندی می‌شود و در گام دوم، اطلاعات گردآوری و مدل‌سازی‌شده، در جلسات گروه کانونی با حضور خبرگان منتخب مسلط به موضوع، به بحث گذاشته می‌شود تا کانال‌ها و الگوهای تأثیر صنعت دفاعی بر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مورد بحث قرار گیرد و استنتاج و تایید اعتبار شود.

جدول ۱- مراحل اجرای تحقیق براساس رویکرد گروه کانونی

فعالیت‌ها	مراحل
مطالعه اسناد و مدارک	فاز اول: مطالعه مقدماتی (Pre-study)
تعریف و تدوین سؤالات مصاحبه آزمایشی	
نمونه‌گیری (انتخاب خبرگان)	فاز دوم: مطالعه متمرکز (Focused Study)
برگزاری نشست مصاحبه و جمع‌آوری نظرات	
تحلیل داده‌ها	
در صورت انسجام داشتن و کامل بودن شکل‌گیری گزارش نهایی، جمع‌بندی و ارائه	

مروری بر چالش‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مسیر پیشرفت
مروری مختصر بر وضعیت اقتصاد کشور در سه دهه گذشته نشان می‌دهد که بارزترین
علائم بیماری اقتصاد کشور در مسیر پیشرفت، که عمدتاً در خام فروشی ریشه دارند،
به شرح زیر هستند:

- وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای بی‌ثبات نفت، به جای درآمدهای پایدار مالیاتی و متکی بر ظرفیتهای داخلی؛
- بی‌ثباتی در درآمدهای دولت و اقتصاد کشور ناشی از بی‌ثباتی در درآمدهای نفتی؛
- تورم فزاینده ناشی از کسری بودجه مزمن و رشد بالای عرضه پول؛
- حرکت سرمایه‌ها به سوی فعالیت‌های غیرمولد، سفته‌بازی و کاهش سرمایه‌گذاری مولد و اشتغال‌زا؛
- بالا بودن میزان بیکاری برای دانش‌آموختگان دانشگاهی (به ویژه، به دلیل عدم تمایل بخش خصوصی به ورود به کسب و کارهای دانش‌بنیان)؛
- افزایش شکاف درآمدی میان طبقات مختلف جامعه، ناشی از تورم نسبتاً بالا و مزمن؛
- روند فزاینده واردات به دلیل پایین‌تر از حد تعادل ارزش‌گذاری کردن نرخ ارز رسمی توسط دولت به اتکای درآمدهای نفتی و ایجاد رانت‌های وارداتی و نیز گسترش تدریجی فرهنگ مصرف‌گرایی وابسته به واردات؛
- روند نزولی صادرات به دلیل از بین رفتن قدرت رقابت در بازارهای خارجی ناشی از پایین‌تر از حد تعادل ارزش‌گذاری کردن نرخ ارز؛
- تضعیف قدرت رقابت بنگاه‌های داخلی در مقابل بنگاه‌های خارجی، ورشکستگی تدریجی بنگاه‌های داخلی و افزایش میزان بیکاری، عدم شکل‌گیری پیمان‌کاران قدرتمند داخلی و وابستگی شدید به پیمان‌کاران خارجی در اجرای پروژه‌ها؛
- عمق پیدا نکردن زنجیره ارزش محصولات داخلی و عدم شکل‌گیری قابلیت‌های لازم برای توسعه صنایع و فناوری‌های راهبردی؛
- گسترش فرهنگ دلالی و رانت‌خواری و نیز بی‌ارزش شدن مفهوم کارآفرینی و کار در اقتصاد؛
- مسابقه بر سر استفاده از منابع راهبردی و مشاع ملی (دولت نقش توزیع‌کننده دارد تا حمایت از تولید)؛
- مصرف بدون برنامه منابع تجدیدناپذیر و انتقال هزینه سیاست‌های نادرست به نسل‌های آینده؛



• هزینه بالای تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری مولد؛ به دلیل بالا بودن میزان بازدهی سرمایه‌گذاری غیرمولد ناشی از شرایط تورمی اقتصاد و رانت‌های وارداتی (بیشتر متقاضیان وام‌ها و اعتبارات بانکی سوداگران و رانت‌خواران هستند).

• تخریب سبک زندگی تعالی‌بخش در جامعه؛

• وابستگی کشور به محصولات و فناوری‌های راهبردی وارداتی و در نتیجه، افزایش فشار تهدید ناشی از تحریم بر اقتصاد کشور.

مروری بر آنچه گفته شد، نشان می‌دهد که عمده عارضه‌های اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران عارضه‌های یک اقتصاد نفتی در حال توسعه است، یعنی ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور خام‌فروشی و یا وابستگی اقتصاد به نفت است. این جریان وابستگی در طی چند دهه گذشته، به تخریب یا عدم بلوغ ساخت درونی اقتصاد کشور منجر شده است. به بیان دیگر، بی‌ثباتی‌های اقتصاد، تورم مزمن، پایین بودن سهم سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مولد در مقابل سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های غیرمولد، پایین بودن میزان رشد تولید و بالا بودن میزان بیکاری، تخریب ذائقه و فرهنگ مصرفی جامعه همه و همه در وابستگی اقتصاد به نفت ریشه دارد. لذا مهم‌ترین هدف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، که محور اصلی پیشرفت اقتصادی کشور نیز محسوب می‌شود، کاهش وابستگی اقتصاد کشور به خام‌فروشی است.

لذا این مطالعه به طور خاص برای بررسی آثار صنعت دفاعی بر پیشرفت اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی، به بررسی آثار صنعت دفاعی بر کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت و همچنین، کاهش آثار مخرب این وابستگی بر اقتصاد کشور طی چهار دهه گذشته خواهد پرداخت.



اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

الف) ماهیت الگوی اقتصاد مقاومتی

۱. الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی؛

۲. یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور متناسب با وضعیت امروز و فردای ما؛

۳. پویا، قابل تکمیل، قابل انطباق با شرایط گوناگون و انعطاف پذیر؛

ب) ضرورت‌های اقتصاد مقاومتی

۱. ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور (نیروی انسانی، سرمایه‌های معدنی، سرمایه‌های زیربنایی، تنوع اقلیمی و ظرفیت انرژی‌های پاک)؛

۲. مشکلات مزمن و دیرپا که جز با حرکت اقتصادی جمعی مهم برطرف نمی‌شود (وابستگی به نفت، عادت به واردات، تورم مزمن، بیکاری، معیوب بودن برخی ساختارهای اقتصادی، اشکال در الگوی مصرف، اشکال در مسئله تولید و اشکال در بهره‌وری)؛

۳. تهدیدهای اقتصادی خارجی (جنگ تمام‌عیار و لزوم مصونیت‌سازی و استحکام‌بخشی به بنای داخلی)؛

۴. بحران‌های اقتصادی جهانی.

ج) مؤلفه‌های الگوی اقتصاد مقاومتی

۱. ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان (تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی و مهم‌تر از همه عدالت اجتماعی)؛

۲. توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا (تکانه‌های اقتصادی دنیا، بلاهای طبیعی و تکانه‌های تخصصی مثل تحریم‌ها)؛

- اهتمام بورزیم به اینکه پایه‌های اقتصاد را معکم کنیم و اقتصادمان را مقاومسازی کنیم
- ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان
- ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی بهیچوجه قبول نداریم
- در این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تکیه اصلی بر روی ظرفیت‌های داخلی است
- تحرک جهانی و مدیریت جهانی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد
- مردم با امکاناتشان باید بایند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مینگران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بیابانی که در این کشور وجود دارد
- باید تولید داخلی کشور طوری شکل بگیرد که کشور در هیچ شرایطی، در زمینه تقذیه و در دارو دچار مشکل نشود
- یکی از سخت‌ترین آسیب‌های اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است. این نعمت بزرگ خدایه‌ای برای کشور ما در طول دهه‌ها سال مایه‌ی فروریختگی‌های اقتصادی و فروریختگی‌های سیاسی و اجتماعی شد
- مجموعه مسئولین کشور بایستی در شئون مجموعه تحت مدیریت خودشان به این توجه کنند: اسراف نباشد؛ الگوی مصرف، یک الگوی حقیقتاً عادلانه، مدبرانه و اسلامی باشد

- این قدر عناصر آماده به کار، با دارایی مهارت، دارای ابتکار، دارای دانش یا دارایی سرمایه در کشور هستند که تشنه کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها می‌توانند توان خودشان را به کار ببندند، از آنها حمایت بکند؛ مسئولیت عمده دولت این است
- شفاف‌سازی، شرط اصلی این فسادستیزی است؛ باید شفاف‌سازی بشود، باید فضای رقابتی به وجود بیاید
- اگر چنانچه فضا فضای سالمی شد، [آزوقوت] کسب ثروت و کسب درآمد یک چیز می‌آید و مورد تأیید و مورد حمایت نظام است
- ما دانشمند، متخصص و شرکت‌های دانش بنیان و افراد مبتکر در کشور زیاد داریم؛ و این جزو مهم‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی است در هر کشور؛ یعنی مهم‌ترین زیرساخت اقتصادی برای یک کشور، وجود نیروهای انسانی است
- بایستی فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مینگران، سرمایه‌گذاران و دانشمندان احساس کنند که با موانع غیر معقول مواجه نیستند



۳. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی (ظرفیت‌های علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی و اقلیمی)، ضمن استفاده حداکثری از امکانات بیرون از کشور؛
۴. رویکرد جهادی (همت جهادی و مدیریت جهادی)، علمی، پر قدرت، با برنامه و مجاهدانه؛
۵. مردم‌محوری (سیاست‌های اصل ۴۴) و بهره‌گیری از فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت و صاحبان سرمایه) (با زمینه‌سازی، راهنمایی و حمایت دولت؛
۶. امنیت اقلام راهبردی و اساسی، در درجه اول غذا و دارو با تکیه بر تولید داخلی؛
۷. کاهش وابستگی به نفت (استفاده حداقلی از فروش نفت خام)؛
۸. اصلاح الگوی مصرف (صرفه‌جویی، پرهیز از اسراف، الگوی مصرف عاقلانه، مدبرانه و اسلامی)؛
۹. فسادستیزی (شفاف‌سازی و ایجاد امنیت و فضای رقابتی)؛
۱۰. دانش‌محوری (اقتصاد دانش‌بنیان، چرخه علم تا ثروت در بخش‌های دارای مزیت).

جهت‌گیری صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی

برای درک این جهت‌گیری، ابتدا باید مهم‌ترین چالش‌های احتمالی اقتصادی آینده صنعت دفاعی با یک نگاه آینده پژوهانه تبیین شوند. سپس براساس راهکارهای ممکن برای مواجهه با آن چالش‌ها مسیر حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی پیش‌بینی شود. این چالش‌ها را در چهار دسته به شرح زیر طبقه‌بندی می‌کنیم:

(الف) چالش‌های صنعت دفاعی در توسعه فناوری؛

(ب) چالش‌های صنعت دفاعی در مدیریت منابع انسانی؛

(ج) چالش‌های صنعت دفاعی در آمایش و املاک؛

(د) چالش‌های صنعت دفاعی در فعالیت‌های درآمدزایی.

در ادامه، به اختصار هر یک از محورهای فوق تبیین و چگونگی جهت‌گیری صنعت دفاعی برای مواجهه با آن در گذار به اقتصاد مقاومتی براساس محتمل‌ترین سناریو تشریح خواهد شد.

الف) توسعه فناوری

مهم‌ترین چالش‌های صنعت دفاعی برای توسعه‌ی فناوری، از یک‌سو، محدودیت منابع و از سوی دیگر، تنوع فزاینده فناوری‌های مورد نیاز همراه با سرعت بالای تغییر آنهاست. حل این مسأله پیچیدگی خاص خود را دارد. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته برای حل این مسأله بخشی از بار توسعه فناوری‌های پیشرفته را بر دوش بخش غیردفاعی قرار داده‌اند. اما در کشور ما به دلیل ضعف در زیرساخت‌های توسعه فناوری در سطح ملی، جریان بالعکس است. یعنی با وجود محدودیت منابع، بخش دفاع علاوه بر بار خود، مجبور است بار کشور را نیز در توسعه فناوری‌های پیشرفته بر دوش بکشد. لذا می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده، با افزایش محدودیت منابع، جریان توسعه فناوری در صنعت دفاعی با چالش مواجه شود.

جهت‌گیری راهبردی صنعت دفاعی برای گذار به اقتصاد مقاومتی برای مواجهه با این چالش، حرکت صنعت دفاعی به سمت اقتصاد مقاومتی به ترتیب با محوریت مؤلفه‌های ۱۰، ۵، ۳ و ۴ است. دانش‌محوری، مردم‌محوری، اتکا به ظرفیت‌های داخلی و مدیریت جهادی مؤلفه‌هایی هستند که جهت‌گیری راهبردی صنعت دفاعی را در گذار به اقتصاد مقاومتی مشخص می‌کنند. در این مسیر، حداقل کردن تصدی‌ها و توسعه شبکه همکاران دفاعی در بخش ملی، ارتقای ظرفیت کارفرمایی دانش بنیان در صنعت دفاعی و در یک کلام، اتخاذ رویکرد هسته - شبکه مبتنی بر نوآوری باز، جهت‌گیری راهبردی صنعت دفاعی را در گذار به اقتصاد مقاومتی مشخص می‌کند.

ب) مدیریت منابع انسانی

بی‌شک، یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد مقاومتی در ودجا مراقبت از تکفل سنگین است. یکی از علل مهم این تکفل سنگین، رشد بی‌رویه هزینه‌های نیروی انسانی است که ریشه اصلی آن نیز عدم تمایل به استفاده از ظرفیت‌های ملی در حد ممکن است. در گذار به اقتصاد مقاومتی در صنعت دفاعی، برای مواجه شدن با این چالش باید از ترکیب نیروی انسانی انبوه و مشاغل متنوع در استخدام رسمی، به سمت تنوع در روش‌های به کارگیری نیروی انسانی با تأکید بر نیروهای دانشی و نخبه حرکت کرد. برخی از مشاغل در بازه‌های استخدامی کوچک‌تر و برخی مشاغل در بازه‌های استخدامی بزرگ‌تر باید تعریف شوند.



علاوه بر این، کاهش تصدی‌گری از طریق شبکه‌سازی و واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردفاعی و غیردولتی می‌تواند به تغییر روند صعودی سهم هزینه‌های نیروی انسانی از کل هزینه‌های صنعت دفاعی بینجامد تا منابع بیشتری برای تحقیقات و توسعه فناوری آزاد شود.

همچنین واقعی‌سازی هزینه‌های دوره عمر استخدام نیروی انسانی و پاسخگو نکردن مدیران نسبت به هزینه‌های دوره عمر می‌تواند به حرکت صنعت دفاعی در این مسیر شتاب بخشد.

ج) آمایش و املاک

بسیاری از پیشران‌های هزینه‌ای بخش دفاع ناشی از شیوه‌های توسعه فضایی است. با توجه به پیش‌بینی گسترش محدودیت منابع در آینده، شاید بتوان جهت‌گیری صنعت دفاعی در مواجهه با چالش‌های مرتبط با طرح‌های آمایشی را در گذار به اقتصاد مقاومتی با توجه به نکات زیر تبیین کرد:

۱. هم‌راستایی طرح آمایش با مدل کسب و کار و معماری هسته و شبکه؛
۲. بهره‌برداری از مزیت‌های جغرافیایی و اقلیمی و دسترسی به عوامل تولید؛
۳. توجه به حساسیت‌های اجتماعی و آثار بلندمدت استقرار صنعت دفاعی در توسعه شهرها، به ویژه شهرهای کوچک.

د) فعالیت‌های درآمدزایی

حضور در کسب و کارهای اقتصادی در دنیای امروز، به راهبرد بلندمدت نیاز دارد. بدون وجود یک راهبرد بلندمدت نمی‌توان شایستگی‌محوری لازم را برای ارزش‌آفرینی در این حوزه کسب کرد. یکی از چالش‌های اصلی صنعت دفاعی در انجام‌دادن فعالیت‌های اقتصادی، نداشتن این راهبرد و نگاه بلندمدت است.

برای حضور صنعت دفاعی در فعالیت‌های اقتصادی سه هدف عمده زیر قابل تصور است:

۱. ارتقای بهره‌وری ظرفیت‌های صنعتی، خدماتی و عمرانی بخش دفاع؛
۲. کمک به اقتصاد کشور از طریق رفع گلوگاه‌های فناورانه در صنایع راهبردی؛
۳. ارتقای بازده سرمایه‌ها و دارایی‌های در اختیار بخش دفاع.

لذا، در مسیر حرکت به سوی اقتصاد مقاومتی، براساس مؤلفه‌های ۱۰، ۵، ۳، ۴ ذکر شده، دست کم حداقل سه راهبرد زیر را در انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی می‌توان پیش‌بینی کرد:

۱. پرهیز از رقابت با بخش خصوصی و تقویت هویت فرابخشی و راهبردی؛
۲. هم‌سویی فعالیت‌های اقتصادی با مأموریت و هویت سازمانی، قابلیت‌ها و شایستگی‌های محوری صنعت دفاعی؛
۳. توسعه قابلیت‌های فناورانه ملی به عنوان یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی، از طریق سرریزهای دانشی صنعت دفاعی به سایر بخش‌ها.

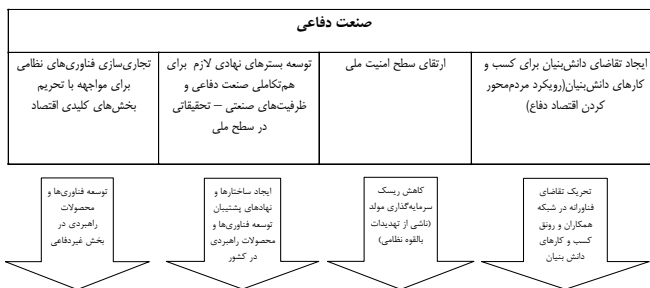
چشم‌انداز صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی

با توجه به رویکردهای پیش‌بینی‌شده در محورهای چهارگانه فوق، چشم‌انداز صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: «کشور صاحب منابع و قابلیت‌هایی پایدار شود تا در زمان مناسب براساس شرایط و موقعیت دگرگون‌شونده، امکان خلق قدرت دفاعی برتر را داشته باشد».

الگوی تأثیر صنعت دفاعی بر اقتصاد ملی در گذار به اقتصاد مقاومتی

اکنون سؤال این است که صنعت دفاعی در گذار به سمت اقتصاد مقاومتی براساس مؤلفه‌های چهارگانه فوق، چه تأثیری در جریان پیشرفت اقتصادی کشور بر جای خواهد گذاشت. برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید تأثیر اولیه صنعت دفاعی با جهت‌گیری راهبردی بحث‌شده را در اقتصاد ملی مورد بحث قرار دهیم (شامل آثار پیشین و پسین) و سپس، آثار ثانویه این تأثیر اولیه را بر سایر متغیرهای پیشرفت اقتصادی و به بیان دقیق‌تر، بر سایر مؤلفه‌های ده‌گانه اقتصاد مقاومتی (ذکرشده) بررسی کنیم. مدل مفهومی اولیه این تأثیر در جدول زیر ارائه شده است.





۱.	افزایش امنیت اقلام راهبردی و اساسی (از طریق توسعه فناوری‌ها و محصولات راهبردی)؛	۲.	توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان؛
۳.	افزایش مقاومت در برابر تحریم‌ها در حوزه محصولات و فناوری‌های راهبردی؛	۴.	افزایش سرمایه‌گذاری مولد
۵.	کاهش وابستگی بودجه دولت به نفت و در نتیجه، کاهش بی‌ثباتی‌های اقتصادی ناشی از نوسانات درآمدهای نفتی؛	۶.	افزایش توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا (تکانه‌های اقتصادی دنیای و تکانه‌های تخصصی مثل تحریم‌ها)؛
۷.	افزایش بهره‌وری ناشی از استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مردمی، ارائه الگویی برای افزایش ظرفیت کارفرمایی و حکمرانی بخش‌های دولتی و کاهش تصدی‌گری بخش دولتی؛	۸.	انکای بیشتر به ظرفیت‌های داخلی (ظرفیت‌های علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی و اقلیمی)، ضمن افزایش استفاده حداکثری از امکانات بیرون از کشور.

جدول ۲- الگوی اولیه تأثیر صنعت دفاعی در تحقق اقتصاد مقاومتی

همان‌گونه که الگوی اولیه ارائه‌شده در جدول فوق نشان می‌دهد، صنعت دفاعی می‌تواند تقریباً تمامی مؤلفه‌های ده‌گانه مطرح در اقتصاد مقاومتی را با فعال کردن حلقه‌های بازخورد مشخص در جهت مطلوب متأثر کند.

همان‌گونه که در جدول فوق نیز نشان داده شده است، مهم‌ترین تأثیر صنعت دفاعی در جریان مقاومتی شدن اقتصاد، نقش‌آفرینی آن در توسعه محصولات و فناوری‌های راهبردی در کشور است. مروری بر تجارب دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که با وجود منابع و قابلیت‌های بالقوه ارزشمند در کشور، در عمل زنجیره‌های ارزش‌ساز راهبردی که صاحب قابلیت‌های فناورانه داخلی باشند، ایجاد نشده است. به عبارت دیگر، منابع بالقوه در قالب قابلیت‌ها فعلیت پیدا نکرده و این ضعف در ساخت درونی اقتصاد برای تحقق این کارکرد، به ویژه در زنجیره‌های ارزش‌ساز راهبردی، فرصتی را برای دشمنان به‌منظور تهدید از طریق ابزار تحریم فراهم آورده است. تأمل در این تجارب نشان می‌دهد که این ناکامی در خلأها و ناکارآمدی‌های نهادی ریشه دارد که

طی سالیان متمادی اقتصاد کشور را در چرخه معیوب وابستگی به دلارهای نفتی قرار داده است، به گونه‌ای که بسیاری از مزیت‌های بالقوه صنعتی و تحقیقاتی کشور اساساً منعقد نشده‌اند. در این زمینه، مقام معظم رهبری در حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی، استحکام بخشی به ساخت درونی قدرت را مورد تأکید قرار داده و تأکید کرده‌اند: «علاج مشکلات کشور را بیرون از این مرزها نمی‌شود پیدا کرد». لذا، صنعت دفاعی را می‌توان در گذار به اقتصاد مقاومتی یکی از نهادهای اصلی حکمرانی برای توسعه فناوری‌های راهبردی کشور محسوب کرد؛ که با کارکردهای قابلیت‌سازی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان می‌تواند کشور را از تله‌ی ناکامی در توسعه فناوری‌های پیشرفته و راهبردی خارج سازد و منابع راهبردی را در مسیر خلق قدرت ملی بسیج کند.

تأیید اعتبار و نهایی‌سازی الگو

بعد از ارزیابی و اصلاح الگوی اولیه در کارگروه تخصصی گروه کانونی و تأیید اعتبار نتایج توسط اعضا، الگوی نهایی به صورت زیر استخراج شده است:



جدول ۳- الگوی تأثیر صنعت دفاعی بر اقتصاد ملی در گذار به اقتصاد مقاومتی



نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق بررسی آثار و نقش صنعت دفاعی در پیشرفت اقتصادی کشور در چارچوب رویکرد اقتصاد مقاومتی است. برای تبیین تاثیر صنعت دفاعی بر جریان پیشرفت اقتصادی کشور در چارچوب اقتصاد مقاومتی، دو مسأله باید مورد توجه قرار گیرد: اول این که صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی چه چشم‌اندازی را تعقیب می‌نماید و جهت‌گیری‌های راهبردی آن چگونه خواهد بود؟ دوم این که، صنعت دفاعی در مسیر حرکت به سوی این چشم‌انداز، چه تأثیری در جریان مقاومتی شدن اقتصاد کشور بر جای خواهد گذاشت؟

برای پاسخ به دو سؤال فوق ابتدا، مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور بررسی شد و سپس، مفهوم اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین شد و ماهیت، اهداف و مؤلفه‌های آن از دیدگاه معظم له معرفی شد. در گام بعد، با پیش‌بینی چالش‌های اقتصادی آینده صنعت دفاعی کشور، چشم‌انداز و جهت‌گیری احتمالی صنایع دفاعی در مسیر حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی تبیین شد. در نهایت، با توجه به چشم‌انداز و جهت‌گیری صنعت دفاعی در مسیر گذار به اقتصاد مقاومتی، تأثیر صنعت دفاعی بر پیشرفت اقتصاد ملی در چارچوب رویکرد اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج این مطالعه نشان داد که صنعت دفاعی می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم تمامی مؤلفه‌های ده‌گانه مطرح در اقتصاد مقاومتی را با فعال نمودن حلقه‌های بازخورد مشخص در جهت مطلوب متأثر کند. در این میان، مهم‌ترین تاثیر صنعت دفاعی در جریان مقاومتی شدن اقتصاد، نقش‌آفرینی آن در توسعه محصولات و فناوری‌های راهبردی کشور است. مروری بر تجارب دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که با وجود منابع و قابلیت‌های بالقوه ارزشمند در کشور، در عمل، زنجیره‌های ارزش‌ساز راهبردی که صاحب قابلیت‌های فناورانه داخلی باشند، ایجاد نشده است. به عبارت دیگر، منابع بالقوه در قالب قابلیت‌ها فعلیت پیدا نکرده و این ضعف در ساخت درونی اقتصاد برای تحقق این کارکرد، به ویژه در زنجیره‌های ارزش‌ساز راهبردی، فرصتی برای دشمنان به منظور تهدید از طریق ابزار تحریم فراهم آورده است. لذا، صنعت دفاعی را می‌توان در گذار به اقتصاد مقاومتی یکی از نهادهای اصلی حکمرانی برای توسعه فناوری‌های راهبردی کشور محسوب کرد که با کارکردهای قابلیت‌سازی و مدیریت کسب و کارهای راهبردی می‌تواند کشور را از تله ناکامی در توسعه فناوری‌های راهبردی خارج سازد و منابع راهبردی را در مسیر خلق قدرت ملی بسیج کند.

منابع و ماخذ

- Alexander , R. (1995). "Defence spending: Burden or growth – promoting?". Defence and peace economics. Vol.6. No. 1. PP. 13-25.
- Ando, Shio. (2009). "The impact of defence expenditure on economic growth: Panel data analysis based on the Feder model". The international J. of economic policy studies. Vol. 4. No. 8. PP. 141-154.
- Atesoglu, H.S. and Muller. M. (1990). "Defence spending and economic growth". Defence Economics. Vol. 2. PP. 19-27.
- Biswas, B. and Ram, R. (1986). "Military expenditures and economic growth in less developed countries: An augmented model and further evidence ". Economic development and cultural change. Vol. 34. PP. 361-372.
- Feder, G. (1982). "On export and economic growth". J. of development economics. Vol. 12. PP. 59-73.
- Huang, C. and Mintz, A. (1991). "Defence expenditures and economic growth: The externality effect". Defence economics. Vol.3 . PP. 35-40.
- Khilji, N. M. and A. Mahmood (1997). "Military expenditures and economic growth in Pakistan". The Pakistan development review. Vol. 36. No. 4. PP. 791-808.
- Looney, R. E. and S. L. Mehay (1990). "United states defense expenditures: Trends and analysis ". In Hartly, Keith and Todd Sandler, eds. The economics of defense spending. London: Routledge. 13-40.
- Ram, R. (1986). "Government size and economic growth: A new framework and some evidence from cross-section and time-series data". American economic review. Vol. 76. PP. 191-203.
- Rasler, K. and W.R. Thompson, (1988). "Defence burdens, capital formation, and economic growth the systemic leader case". J. of conflict resolution. Vol. 32. No. 1. PP. 61-86.
- Smit, Dan and Ron Smit. (1980). "Military expenditure, resources and development ". University of London, Birkbeck college discussion paper. No. 87. November.
- Yildirim, J. and Sezgin, S. & Ocal, N. (2005). "Military expenditure and economic growth in middle eastern countries: A dynamic panel data analysis defence and peace economics. Vol. 16. PP. 283-295.

